

The Practical Potentials of Rapprochement between Shia and Sunni Sufis of Pakistan, Especially Brillouin¹

Mohammad Behzad^{*}

Alireza Ibrahim^{}, Mahdi Farmanian^{***}, Taghi Sadeghi^{****}**

(Received on: 2018-07-16; Accepted on: 2022-01-17)

Abstract

Extremism and violence are among the serious harms that cause rifts between Islamic countries, and in addition to making coexistence difficult, they also destroy economic and cultural resources. In the meantime, Pakistan, the second most populous Islamic country with a history of five thousand years of civilizational interaction with Iran, has been plagued by religious division for a long time, an issue that has negatively affected its productive relations with its western neighbor, Iran. Considering the tendencies and characteristics of Iranian Shiism and Sufi Sunniism in Pakistan, it seems that one of the ways of approximation and unity is to pay more attention to similar and common beliefs and traditions in the region, especially the centrality of Ahl al-Bayt (AS), the issue that can be seen among both Shiites and Sufis of these regions. The emphasis of the Sufi dynasties on relating their cloak to people from Ahl al-Bayt (AS), resorting to them, visiting the graves of Sadat and divine saints, etc., shows the great capacity of love of Ahl al-Bayt to bring together all sects. Brillouin is the main Sufi community of Pakistan, which has special capacities to connect with Shiism. This article examines the strategies of utilizing the capacity of love for Ahl al-Bayt (AS); their Sufi tendencies; the anti- Excommunication and anti-Wahhabi approach; and the diplomatic, scientific, scholastic, and religious capacity of Brillouins along with the practical solutions for its realization, which is the result of close field interactions and observations with the society.

Keywords: Ahl al-Bayt (AS), Approximation, Sufism, Shiism, Brillouin, Pakistan.

1. This article is taken from: Mohammad Behzad, "Opportunities and Challenges of Contemporary Pakistani Sunni Sufis in Approaching Shiism", 2018, PhD Thesis, Supervisor: Alireza Ibrahim, Faculty of Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

^{*} PhD Student in Sufism and Islamic Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), mbk60@chmail.ir.

^{**} Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, a_brahim@iau-tnb.ac.ir.

^{***} Professor, Department of Theological Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.farmanian@chmail.ir.

^{****} PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, taghisadeghi@gmail.com.

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه^۱

محمد بهزاد*

علی‌رضا ابراهیم**، مهدی فرمانیان***، تقی صادقی****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷]

چکیده

افراط‌گرایی و خشونت از جمله آسیب‌های جدی است که باعث گسست میان کشورهای اسلامی می‌شود و افزون بر دشوارکردن هم‌زیستی، سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی را نیز به نابودی می‌کشاند. در این بین، پاکستان به عنوان دومین کشور پُرجمعیت اسلامی که سابقه تعامل پنج‌هزارساله تمدنی با ایران دارد، مدت‌ها است گرفتار تفرقه مذهبی است و این بر روابط سازنده آن با همسایه غربی‌اش، ایران، هم تأثیر منفی گذاشته است. با توجه به گرایش‌ها و ویژگی‌های تشیع ایرانی و تسنن صوفیانه پاکستان، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های تقریب و وحدت، همانا توجه بیشتر به باورها و سنن مشابه و مشترک در منطقه، خصوصاً محوریت اهل بیت (ع)، است که هم در تشیع و هم در تصوف این مناطق وجود دارد. تأکید سلسل صوفیه بر اتصال خرقة خویش به اشخاصی از اهل بیت (ع)، توسل به ایشان، زیارت قبور سادات و اولیا، و ... نشان از ظرفیت تقریب فراوان محبت اهل بیت (ع) در بین تمامی فِرَق دارد. بریلویه جماعت اصلی صوفیه پاکستان است که ظرفیت‌های خاصی برای ارتباط با تشیع دارند. در این مقاله راهبردهای بهره‌گیری از ظرفیت محبت به اهل بیت (ع)، گرایش‌های صوفیانه آنان، رویکرد ضدتکفیری و وهابیت‌ستیز و ظرفیت دیپلماسی علمی حوزوی و دینی بریلوی‌ها به همراه راهکارهای عملی تحقق آن، که حاصل تعاملات و مشاهدات نزدیک میدانی با جامعه هدف بوده، بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت (ع)، تقریب، تصوف، تشیع، بریلویه، پاکستان.

۱. برگرفته از: محمد بهزاد، فرصت‌ها و چالش‌های صوفیه اهل سنت معاصر پاکستان در جهت تقریب با تشیع، رساله دکتری، استاد راهنما: علی‌رضا ابراهیم، دانشکده عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۷.
* دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) Mb60@chmail.ir
** استادیار ادیان و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران A_ebrahim@iau-tmb.ac.ir
*** استاد گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران M.farmanian@chmail.ir
**** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران Taghisadeghi@gmail.com

مقدمه

تلاش در راه تقریب بین مذاهب اسلامی و امت پیامبر گرامی اسلام، همتی است به درازای تاریخ اسلام که طلایه‌دارانش، خود بزرگان دین، از جمله رسول مکرم اسلام و امامان (ع) بوده‌اند و تحقق امت واحده و تشکیل حکومت جهانی اسلام و تمدن‌سازی و بنای مدینه فاضله و بهره‌مندی از برکات ظهور مهدوی، آرمان بلند مسلمانان و مستضعفانی است که وعده قرآنی را باور دارند و در پی تحققش هستند (آل عمران: ۹۵؛ قصص: ۵). در این میان دیدن صحنه جدال و پرخاش و تفرقه و تشتت و تکفیر که امت اسلامی را در برابر دشمنانش ضعیف و منفعل و آسیب‌پذیر کرده، قلب هر مسلمان دلسوز و واقف به استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل دنیای اسلام را به درد می‌آورد و او را در پی چاره‌جویی و درمان می‌اندازد تا کمتر شاهد قتل‌ها و جنایت‌ها و تکفیرها به نام اسلام باشد. تلاش‌هایی که بزرگان تقریب همچون سید حسین بروجردی و شیخ شلتوت انجام دادند ستودنی است.

هر تلاشی برای احیای وحدت به مقومات علمی و نظری نیاز دارد تا بر پایه آن تلاش‌های عینی و همت‌های جهادی به بار بنشینند. این مقاله در پی تبیین چرایی لزوم بازگشت به ثقلین، به‌خصوص محبت و ارادت به اهل بیت (ع) است، آن هم در جغرافیای شبه‌قاره هند و پاکستان که امروزه کانون پرورش و توزیع افراطی‌گری در دنیای اسلام شده است و همجواری ما با آنان که تاریخ و میراث مشترک فراوانی داریم فرصت‌ها و تنگناهایی را پیش روی ما می‌گذارد. از جمله این فرصت‌ها قرابت‌های تشیع و تصوف است که می‌توان بدان پرداخت و در ادامه به عنوان راهکار و چاره‌ای عملی بدان اشاره خواهد شد. در انتهای مقاله، با ابتنا بر تجربه سال‌ها همنشینی و تبادل آرا و نظرها با بریلوی‌ها، چهار راهبرد و بیش از ۴۰ راهکار پیشنهاد می‌شود که این مدل می‌تواند برای دیگر کشورهای همسایه و غیر آن نیز، بومی‌سازی و اجرا شود.

۱. اتصال تصوف و تشیع

ارتباط و اتصال این دو را در سه چیز می‌توان بررسی کرد؛ ۱. زهاد نخستین که سلمان فارسی، عمار یاسر، ابوذر غفاری، مقداد، حذیفه بن یمان و ... که همگی از صحابه نخستین و از شیعیان علی (ع) هستند، یا از میان تابعین کمیل بن زیاد، میثم تمار، حسن بصری و ...؛ ۲. مشایخ معروف صوفیه و اتصالشان با ائمه (ع) نظیر حسن بصری با امام علی (ع)، ابراهیم ادهم با امام سجاد (ع)، بایزید بسطامی با امام صادق (ع)، شقیق بلخی با امام موسی بن جعفر (ع)، معروف کرخی سرسلسله بیشتر فرق صوفیه که با امام علی بن موسی الرضا (ع) ارتباط داشته‌اند و حتی از شاگردانشان محسوب شده که برخی نیز از دستان آنان خرقة دریافت کرده‌اند؛ ۳. ارتباط‌های فکری و اعتقادی تصوف و تشیع در موضوعات بنیادین همچون علم، عصمت، کرامت، شفاعت، تقیه، ولایت، و امامت، که در همگی اینها دیدگاه بسیار نزدیکی بین این دو دیده می‌شود.

این را که بیشتر یا تمامی سلاسل صوفیه اصرار به رساندن و اتصال خود به اهل بیت (ع) دارند شاید بتوان از زاویه دیگری نگاه کرد. با توجه به حدیث ضعیف‌السندی که از رسول خدا درباره فرقه‌فرقه شدن امت بعد از ایشان به ۷۲ یا ۷۳ فرقه و ناجیه‌بودن یکی از آن فرق نقل شده و تقریباً در تمامی منابع شیعه و سنی آمده است از یک طرف (بقایب یمین، ۱۳۹۴: ۵۷-۶۶) و از طرفی روایات متعدد و محکم درباره مقام و منزلت اهل بیت (ع) (محمدی‌ری‌شهری، ۱۴۲۷: ۲۸۴/۱) و منجی دانستن آنان برای اهل زمین، همچنین حدیث سرور جوانان اهل بهشت که برای امام حسن و امام حسین (ع) نقل شده (همان: ۳۲۲/۱)، و نیز سفینه نجات بودن امام حسین (ع) (همو، ۱۳۷۰: ۱۲۰/۱) یا باب شهر علم بودن علی (ع) و ... (مقدس اردبیلی، ۱۳۶۱: ۱۵۵) همگی سبب شده است اهل تصوف با چنگ‌زدن به ریسمان الاهی و حبل‌المتین ولایت، سلسله خرقة خویش را به یکی از معصومان (ع) برسانند. سپس از آن طریق به امام‌العارفین، علی (ع) که مظهر زهد و تقوا بود متصل کنند و آنگاه مسیر فیض را به اسوه حسنه، یعنی حضرت رسول (ص)

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۳۷

برسانند، و به این طریق وجاهتی برای خود و اطمینانی برای پیروان و مریدان کسب کنند.

البته احادیثی هم از ائمه (ع) روایت شده که مضمونش در رد تصوف و صوفیه است و این قابل جمع با آن چیزی که صوفیه مدعی آنند، یعنی ارادت و محبت مشایخ اولیه و مصاحبتشان با اهل بیت (ع)، نیست. لازم است در اینجا گفته شود که طبق تحقیقی که انجام پذیرفته، کل تعداد احادیثی که در مذمت صوفیه در منابع شیعی آمده، ۲۶ حدیث است که ۹ روایت آن مربوط به کلیت تصوف و ۱۷ روایت آن مربوط به مشایخ صوفیه معاصر اهل بیت (ع) است که هیچ کدام از حیث دلالت و سند ناظر به نقد تصوف نیست. بر اساس این تحقیق، احادیث مبنی بر رد یا نقد و تخطئه صوفیه یا تصوف اگر هم سندیت داشته باشد، بر جهله صوفیه منطبق است و نه بر کل جریان صوفیه و مشایخ آن (جعفری، ۱۳۹۲: چکیده).

مهم‌ترین موضوع واسط بین تصوف و تشیع، بحث انسان کامل است که به همت محیی‌الدین بن عربی و شاگردانش بسط داده شد و تقارب و هم‌زبانی بیشتری میان این دو را به تصویر کشید (امینی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۲). هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صوفی به شیعه نزدیک شد و نتیجه‌اش پذیرش ولایت و شفاعت اهل بیت (ع) و اولیاءالله و توجیه توسل و استعانت از آنان بود. زیارت، بناء بر قبور، نذر و نیاز و فتوحات و حتی عزاداری و جشن میلاد در این اواخر، از جمله قرابت‌های تشیع و تصوف است (نک: شبیبی، ۱۳۹۶).

۲. بریلویه؛ پنجره تقریب اهل سنت صوفی با شیعیان

«بریلویه» به لحاظ فقهی حنفی است؛ مؤسس آن احمد رضاخان بریلوی (۱۲۷۲-۱۳۴۰ ه.ق.) صوفی تمام‌عیاری بود که به شدت ضد وهابیت، سلفی‌گری، مکتب دیوبندی و اهل حدیث فعالیت کرد. بریلوی‌ها، توسل، شفاعت و دیگر مسائل مربوط به قبور اولیاءالله را مانند شیعه پذیرفته‌اند و با سلفیان سر جنگ دارند. امروز بیش از ۶۰ درصد مردم

پاکستان و حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد اهل سنت پاکستان را شامل می‌شوند که رقم بسیار چشمگیری است، اما این گرایش در بین مردم اهل سنت ایران، به‌خصوص شرق، جایگاه چندانی ندارد (فرمانیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۴۷). این طریقت صوفی مطرح در شبه‌قاره منسوب به احمد رضاخان بریلوی، ملقب به عبدالمصطفی، فرزند مولانا علامه مفتی محمدنقی علی‌خان است که در ۱۰ شوال ۱۲۷۲ ه.ق. در بریلی ایالت اترپرادش در خانواده‌ای مذهبی و صوفی به دنیا آمد. از همان کودکی نزد پدرش، که عالمی برجسته بود، به تحصیل مشغول شد. وی در ۱۲۹۵ ه.ق. به دست عالم و خاتمالاکابر، سید شاه آل رسول احمد مارهروی (متوفای ۱۲۹۴ ه.ق.) با سلسله قادریه بیعت کرد و اجازه و وظایف را نیز از ایشان اخذ کرد (خسروی، ۱۳۹۴: ۹). او در سال ۱۳۲۲ ه.ق. در بریلی، مدرسه‌ای به نام «دارالعلوم منظر اسلام» تأسیس کرد که بعدها علمای بسیار از آن فارغ‌التحصیل شدند و میلیون‌ها نفر در هند و پاکستان را پیرو مکتب او کردند. گفته شده که احمد رضاخان بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب و ۱۰۰۰ رساله تألیف کرده که در نوع خود بی‌نظیر است و قرآن ترجمه‌ای او از پرفروش‌ترین کتاب‌ها در پاکستان است. وی در ۲۵ صفر ۱۳۴۰ ه.ق. در همان بریلی از دنیا رفت و آرامگاهش زیارتگاه پیروانش است (همان: ۱۰). عبدالحق محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲ ه.ق.) و شاه‌ولی‌الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ ه.ق.) دو شخصیت تأثیرگذار بر وی بوده‌اند که هر دو گرایش صوفیانه داشته و با اکثر طریقت‌های رایج زمانشان بیعت داشته‌اند. در واقع، احمد رضاخان مجمع‌البحرین طریقت‌های صوفیه بوده و بعد از ایشان هم خطوط مایز میان طریقت‌ها کم‌رنگ‌تر و غیرمشخص‌تر شده است.

شیعه و بریلویه در زمینه بسیاری از مسائل اعتقادی، از جمله توحید و شرک، هم‌عقیده‌اند، به طوری که هر دو، تعریف تقریباً واحدی مطرح می‌کنند (طاهر القادری، ۲۰۱۲ الف: ۸۱). نزد شیعه و بریلویه، توسل (همو، ۲۰۱۲ ب: ۴۰۴)، استغاثه (همو، ۲۰۱۱ الف: ۱۲۷) و طلب شفاعت از اولیای الهی (همو، ۲۰۰۹ ب: ۲۷۸) اهمیت خاصی دارد. زیارت

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۳۹

قبور (همو، ۲۰۱۱ ب: ۱۷۹)، از جمله زیارت قبر پیامبر (ص) (همو، ۲۰۱۲ ج: ۶) و اهل بیت معزز ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و سفر برای زیارت قبور صالحان نه تنها جایز بلکه مستحب است (همو، ۲۰۱۱ ج: ۵ و ۶). هر دو، تبرک به آثار بزرگان و انبیای الهی را جایز می‌دانند (همو، ۲۰۱۱ د: ۶) و ذبح و نذر برای اولیای الهی را باعث خیر و برکت (همو، ۲۰۱۲ د: ۶۵۷). نزد هر دو جایگاه ویژه حضرت رسول اکرم، مقام عصمت ایشان، علم غیب، حیات برزخی، سماع در قبر و برگزاری جشن میلاد آن حضرت مسلم است (اکبر، ۲۰۱۰: ۱۰-۶؛ طاهر القادری، ۲۰۱۱: ۱۳-۱۴). البته اختلافاتی هم در موضوع خلافت پس از پیامبر گرامی اسلام وجود دارد که به دو نوع خلافت، اعم از ظاهری و باطنی، معتقدند. خلافت ظاهری را از آن خلیفه اول و خلافت باطنی را از آن علی بن ابی طالب (ع) می‌دانند (طاهر القادری، ۲۰۰۵: مقدمه) و درباره امام زمان (عج) نیز، هر دو ولایت را در وجود ایشان جمع می‌بینند (همو، ۲۰۱۰: ۴۹-۵۱)، ولی مانند شیعه، ولادتی برای ایشان در نظر ندارند (اکبر، ۲۰۱۲: ۴۱ و ۴۲).

در کل، میزان اشتراکات به قدری است که به راحتی امکان تقریب میان شیعیان و اهل سنت صوفی بریلوی متصور است و قرن‌ها این هم‌زیستی مسالمت‌آمیز الگوی صلح بین مذاهب بوده تا اینکه در این چند دهه اخیر با گسترش افکار سلفی وهابی و سپس تکفیری و رسانه‌های فراوان و پول تزریقی از خارج از کشور به این جریان‌ها و از طرف دیگر تندتر شدن آتش اعتقادی شیعیان، زمینه درگیری بیشتر میان مذاهب مساعدتر شده است.

۳. اهمیت بریلویه

با تحقیق و تفحص در اندیشه و ماجرای تصوف در پاکستان، که البته جدای از تصوف شبه‌قاره نیست، و با دغدغه اتحاد امت اسلامی و تقریب میان شیعیان و اهل سنت پاکستان می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که اهل سنت صوفی پاکستان زمینه بسیار مساعدی برای تقریب با شیعه و ایران دارند و حبل‌الله‌المتین بین آنان، یعنی محبت اهل

بیت (ع) و قرآن حکیم به عنوان ثقل اصغر و اکبر، مستمسک مطمئنی است. این نتیجه حاصل مصاحبه‌ها^۱ و رایزنی‌های چندساله در پاکستان با نخبگان پاکستانی و زندگی در بین مردم آن دیار است.

خلاصه اکسیر تمامی تعالیم به‌جای‌مانده از طریقت‌ها اکنون تحت نام «بریلویه» تشخیص پیدا کرده است که اکثریت مردم پاکستان بدان تعلق فکری و عملی دارند، و اول شخصیت آن همانا احمد رضاخان بریلوی است و شخصیت معاصر و تأثیرگذار اکنونش نیز محمد طاهر القادری است. بازخوانی اعتقادات و افکار این دو نفر و یافتن نقاط اشتراک یا افتراق آنان، همان فرصت‌ها و تنگناهای تقریب شیعه و سنی در پاکستان است. احمد رضاخان بریلوی، که اجازه سلسله قادریه را از شیخ حسین بن صالح، امام فرقه شافعیان در حجاز، اخذ کرده است، در بسیاری از آثارش جلوات فرهنگ ایرانی را بروز داده و اشعاری به فارسی دارد و در آنها به استقبال غزلیات حافظ، عراقی، همدانی و مثنوی معنوی مولوی رفته است و شجره نسب روحانی‌اش در طریقه قادریه به معروف کرخی و از او به امام رضا (ع) و به امامان پیشین تا امام علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. او بارها به کرامات و خوارق عادات امامان شیعه اشاره کرده، و با وهابیت (نجدیان) سر جنگ دارد (بریلوی، بی‌تا: ۲۰-۳۰). در تخطئه دیوبندیان و اهل حدیث بیش از ۲۰۰ اثر تألیف کرد که حتی کتاب‌هایش در عربستان ممنوع شد. او سازش و اتحاد با هندوها را نیز جایز نمی‌شمرد و در عین حال ضد انگلستان بود و از استقلال هند و البته جدایی حوزه سرزمینی هندوها و مسلمانان دفاع می‌کرد (خمینی، ۱۳۸۹: ذیل مدخل «بریلویه»).

مکتب او برای مقابله با آرای ابن تیمیّه، محمد بن عبدالوهاب و مروّجان هندی آثار وی مانند شاه اسماعیل دهلوی (۱۷۸۱-۱۸۳۱)، نوه شاه‌ولی‌الله دهلوی، مؤسس دیوبندیّه، تأسیس شد. او ابن تیمیّه را «ضالّ و مُضَلّ» و اسماعیل دهلوی را «طاغیة النجدیة» (طغیانگر وهابی) و کتاب او را «کفریات» نامید. در ۱۳۲۴ ه.ق.، احمد رضاخان بریلوی

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۴۱

کتاب *المعتمد المستند* را که مجموعه فتاوی‌اش علیه بزرگان دیوبندیه و قادیانیه است، منتشر کرد و بدین وسیله شناخته شد. تعدادی رساله و کتاب بین احمد رضاخان و علمای دیوبند رد و بدل شد و کسانی که در این مدت از آرای احمد رضاخان طرفداری کردند به نام «بریلوی» شناخته شدند (اکبر، ۲۰۱۲: ۱۲).

در کتاب *پاکستان کی دین مسالک* در فصل بریلوی، با تأیید رسمی بزرگان آنان، به اختصاصاتی تصریح شده که جداکننده آنها از سایر مکاتب، از جمله دیوبندیه و اهل حدیث، است. جواز تقلید از ابوحنیفه در برابر اهل حدیث که غیرتقلیدی هستند، تعظیم فراوان برای حضرت ختمی مرتبت، عقیده به عظمت و شأن خلفای راشدین، احترام فراوان به اهل بیت (ع) شامل ازواج نبوی، صدیقه اطهر، شیر خدا (علی بن ابی طالب (ع))، حسنین (ع)، اعتقاد به عصمت پیامبر اسلام و طهارت اولیای کرام و صلحای امت، تعظیم ولادت نبی گرامی اسلام و غوث اعظم سید شیخ عبدالقادر گیلانی حسنی حسینی، زیارت قبور، ایصال ثواب، توسل و ...، اعتقاد به خلقت نورانی پیامبر اسلام و حیاتی بودن و نه مماتی بودن پس از رحلت، علم غیب حضرت، جواز مدد خواستن از رسول اکرم (ص) و علی مرتضی (ع)، بوسیدن ناخن شصت هنگام ذکر اسم رسول و کشیدن به روی چشم و نیز قائل به موحدبودن تمام اجداد رسول خدا، برخلاف اهل حدیث و دیوبندیه، از جمله این امتیازات گفته شده است (همان: ۵۰-۶۰).

۴. امکان‌سنجی تقریب از راه تصوف در جغرافیای شبه‌قاره

«تقریب» مصدر از ریشه «قرب» و در مقابل «بُعد» به معنای نزدیک کردن و نزدیک‌گردیدن است (زاغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ۶۶۳) و در اصطلاح، نزدیک کردن آن دویی که به‌ظاهر دورند از طریق تکیه بر مشترکات و نه مفترقات و پرهیز از تکفیر سایر مذاهب؛ و این امکان بین شیعه و سنی کاملاً متصور است و در همین راستا تلاش‌های فراوانی صورت گرفته که نتایجش با حجم فعالیت‌ها همخوانی نداشته و کمتر به چشم آمده است. در این تحقیق منظور، نزدیک‌ترکردن پیروان دو مذهب تسنن و تشیع است.

اما اصطلاح «تصوف» و «صوفی» و «متصوف» نیز کاربرد رایجی داشته است، به ویژه تا یکی دو قرن پیش، و تمایز آشکاری میان آن و «عرفان» و «عارف» و «معرفت» دیده نمی‌شد. صرف نظر از ریشه‌های متعدد ذکرشده برای واژه «تصوف» (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۶۳) به نظر می‌رسد بیشتر به جنبه طریقتی و سیر و سلوک عملی و تزکیه نفس توجه دارد و معنای اجتماعی پیدا می‌کند تا «عرفان» که معنای عام‌تر و کلی‌تری را شامل می‌شود و جنبه فرهنگی پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۱۱). برخی نیز رابطه «عرفان» و «تصوف» را عموم و خصوص من وجه دانسته و بر آن دلایلی نیز اقامه می‌کنند (صدوقی سها، ۱۳۸۳: ۲۱۹-۲۲۴). این مطلب می‌تواند ما را در فهم بهتر این اصطلاح و تقریب میان آن و «عرفان» کمک کند. مثلاً می‌توان استنباط کرد که اصطلاح «تصوف» همواره ناظر به «طریقت» و «طریق» و برنامه‌ای خاص است و «عرفان» برخلاف آن به «غایت» و مقصدی نظر دارد. پس شاید بتوان گفت آن تلقی از «عرفان» که ناظر به تجربه و آموزه غایی عرفانی است متفاوت است با آن تلقی که ناظر به تجربه و آموزه طریقتی آن است که با نام «تصوف» شناخته می‌شود (موحدیان عطار، ۱۳۸۸: ۶۴).

البته چه بسا وجاهت افراد یا الفاظ در موقعیت‌های مختلف و زمان‌های گوناگون تغییر کند یا حتی به ضد خود تبدیل شود. مثلاً لفظ «عارف» و «صوفی» در ایران کنونی، یکی دارای وجاهت است و دیگری از چنین اعتباری تهی است. اما در کشوری مثل پاکستان یا هند همچنان «صوفی» معادل «عارف»، و «تصوف» مساوی «عرفان» (البته با مسامحه) تلقی می‌شود و اکثر مردم خود را «صوفی» یا حداقل متعلق به طریقتی صوفیانه، اعم از چشتیه، قادریه، نقشبندیه یا سهروردیه، می‌دانند. البته امروز تمایزات میان این طُرُق رنگ باخته و بیشتر اهل سنت که گرایش صوفی دارند با عنوان «بریلوی» شناخته می‌شوند.

کشور پاکستان در واقع محصول تجزیه شبه‌قاره هند و استقلال در سال ۱۹۴۷ است ولی سابقه تاریخی‌اش به بیش از ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد و حاشیه

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۴۳

رود سند، یکی از مراکز تمدن انسانی به حساب می‌آمده است. ایرانی‌ها و اسکندر مقدونی این منطقه را تصرف کردند. ادعا می‌شود که در سال ۷۱۲ م. اعراب به رهبری محمد بن قاسم به این منطقه راه یافتند و اسلام را عرضه کردند (راجپوت، ۱۳۴۳: ۱۰۳؛ هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷؛ بکری، ۱۳۸۲: ۶؛ الکوفی، ۱۳۸۴) اما قبل از آن این منطقه با مکتب اهل بیت آشنا بوده و در طول تاریخ این منطقه نیز همواره صوفیان و سادات و محبان اهل بیت (ع) زحمت نشر اسلام را کشیده‌اند (نک: عارفی، ۱۳۸۵). پاکستان اکنون در بین کشورهای مسلمان دومین کشور پُرجمعیت مسلمان است که شیعه (۲۰٪ جمعیت، حدود ۴۰ میلیون نفر) دومین جمعیت بزرگ بعد از بریلوی‌ها را دارد. نیز پاکستان دومین کشور پارسی‌زبانی است که قرابت‌های فراوان با ایران و تمدن اسلامی ایرانی دارد. در عین حال، زمینه‌ها و عوامل متعددی باعث شده است گرفتار پدیده تکفیر و ترور باشد. همسایگی با افغانستان نیز بر این مشکل افزوده است. اکنون تروریسم، همسایگان آن، از جمله ایران، را نیز تهدید می‌کند و توجه همدلانه و عمیق‌تر به این کشور ضروری است. به هر روی، پیش‌فرض اصلی این تحقیق آن است که تقریب شیعه با اهل سنت صوفی، که در شبه‌قاره عمدتاً با نام «بریلویه» شناخته می‌شوند، کاملاً امکان‌پذیر است و اهداف وحدت امت اسلامی، البته نه در افق کوتاه‌مدت، دست‌یافتنی است.

۵. راهبردها و راهکارهای ایجاد تقریب

با کمک اطلاعات کتاب‌خانه‌ای و مشاهدات میدانی و عملی و نیز مصاحبه با نخبگان ایرانی و پاکستانی، راهبردهای ایجاد تقریب میان شیعه و صوفیه اهل سنت معاصر پاکستان، که بیشتر در قالب «بریلویه» شناخته می‌شوند، مطرح و ذیل هر کدام راهکارهای عملی مربوط به آن شمارش می‌شود. با توجه به مواجهه مستقیم نویسندگان این مقاله با مخاطب پاکستانی، اعم از شیعه و سنی، و رصد چندین ساله وضعیت مسلمانان در آنجا و با دغدغه اتحاد میان مسلمانان و نیز بین دو کشور همسایه مسلمان

ایران و پاکستان، در قالب چهار راهبرد کلان، حدود ۴۰ راهکار عملی در نظر گرفته شده است. این راهکارها کاملاً عملی و قابل دفاع، و مستند به تأیید بزرگان شیعه و بریلویه و کارشناسان مسائل پاکستان است.

۵. ۱. راهبرد بهره‌گیری از ظرفیت عشق و محبت بریلوی‌ها به اهل بیت (ع)

بزرگ‌ترین عامل وحدت و مستمسک تقرب، همانا محبت اهل بیت (ع) است که در میان شیعیان و اهل سنت طریقتی همچون بریلویه، با عمق و گستردگی فراوان لمس می‌شود و انکارشدنی نیست. اصرار بر اتصال سلاسل مشایخ طریقت‌ها به ائمه اطهار و ابراز ارادت به آنان (عباسی، ۱۳۹۵: مقدمه)، همچنین عناوین و محتوای کتاب‌هایی چون *مناجات امام زین‌العابدین (ع)*، *ذبح عظیم، الدرّة البيضاء فی مناقب فاطمة الزهراء (سیده کائنات)*، *مرج البحرین فی مناقب الحسنین (ع)*، *کنز المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب (ع)*، *کتاب الشفاعة، میلاد النبی (ص)*، *شهادت امام حسین (ع)*، *حب علی (ع)*، *زیارت قبور، اعلان غدیر، صحابه کرام اور ائمه اهل بیت (ع)* و ... که از کتب معاصر بریلوی‌ها، به‌خصوص بزرگ آنها، محمد طاهر القادری، است (تجربشی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۸) و همه و همه جایگاه رفیع اهل بیت (ع) را در بین آنها می‌رساند (طاهر القادری، ۲۰۱۱ و: ۵ و ۶؛ همو، ۲۰۱۱ ز: ۷۳-۲۳۱؛ همو، ۲۰۰۷ الف؛ و نیز طاهر القادری، ۲۰۰۷ ب: ۵؛ همو، ۲۰۱۱ ح؛ همو، ۲۰۰۷ د: ۱۱۵-۱۳۱؛ همو، ۲۰۱۲ ه؛ و نیز همو، ۲۰۱۲ و؛ همو، ۲۰۰۹ الف). برای بهره‌برداری از این امکان راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. اعتباربخشی به علما، حوزه‌ها و برنامه‌های اهل بیتی بریلوی از طریق مشارکت فعال در برنامه‌هایشان و دعوت از مشایخ آنها برای حضور در مراسم‌های رسمی معتبر شیعه، به‌خصوص در ایران.

۲. اعتباردهی به مشایخ، سجاده‌نشینان و متولیان دربارها و زیارتگاه‌ها با راه‌اندازی «مجمع متولیان زیارتگاه‌های جهان اسلام» که می‌تواند با محوریت آستان قدس رضوی در ایران و مشهدالرضا (ع)، پایتخت معنوی ایران، انجام شود.

۳. ترجمه و ترویج اندیشه‌ها و آثار اهل بیتی بریلوی در ایران و جهان تشیع با نیت شناخت بهتر از فضای فکری اکثریت اهل سنت.
۴. تسهیل و رواج زیارت حضرت امام رضا (ع) و سایر زیارتگاه‌های ایران برای بریلوی‌ها و توجیه مردم برای پذیرش غیرشیعیان محب اهل بیت (ع) در اماکن مذهبی شیعه که امکان تعامل و فهم مشترک از تقرب را بیشتر می‌کند.
۵. انتشار کرامات و تفضلات اهل بیت (ع) به صورت مستند و به دور از تکلف و خرافات که در فضای فکری حاکم بر شبه‌قاره، بسیار محل توجه قرار می‌گیرد.
۶. معرفی و تسهیل زیارت امام‌زادگان معتبر مدفون در پاکستان برای ایرانیان نظیر امام‌زاده عبدالله شاه‌غازی، از نوادگان امام علی (ع) در کراچی.
۷. کمک به ساخت، مرمت و همکاری در برنامه‌های دینی و فرهنگی دربارها و زیارتگاه‌های معروف و معتبر پاکستان و انتقال این تجربه بر اساس تعامل تاریخی ایران در زمینه معماری ایرانی اسلامی، به‌خصوص با محوریت آستان قدس رضوی.
۸. اعتباربخشی به برخی آیین‌های مشترک و مقبول از قبیل نعت خوانی و میلاد النبی و عزاداری‌ها و حضور فعال شیعیان و مسئولان ایرانی در آنها و بر عکس.
۹. کمک به بازتعریف مدیریت دربارها و زیارتگاه‌های پاکستان به دلیل بسته‌بودن، موروثی بودن و غیرنظارتی بودن آنها و انتقال یا دریافت تجربه‌های مدیریتی.
۱۰. کمک به تعمیق معارف و باورهای درست راجع به اهل بیت (ع) با رعایت شرط پذیرش و اصول علمی از طریق تربیت طلاب و دانشجویان پاکستانی در ایران یا تأسیس شعبه‌هایی از مدارس و دانشگاه‌های وابسته به حوزه‌های علمیه در پاکستان و نشر کتب موثق شیعه با رعایت ملاحظات تقریبی (بهزاد و دیگران، ۱۳۹۶ الف: ۳۶؛ چشتی، ۱۳۹۶؛ اکبر، ۱۳۹۶).

۵. ۲. راهبرد بهره‌گیری از ظرفیت گرایش‌های صوفیانه بریلوی‌ها

اسلام شبه‌قاره، اسلام طریقتی و صوفیانه است که قرابت‌های فراوان با تشیع دارد و بریلوی‌ها نیز چنین ظرفیت بزرگی برای تقریب دارند. همان‌گونه که گفته شد، آن قباحتی که واژه «صوفی» در ایران و میان شیعیان دارد در شبه‌قاره ندارد و تقریباً معادل «عارف» است که موجه‌تر از واژه «صوفی» در ایران می‌نماید. از طرف دیگر، قطب اصلی عرفان و تصوف در جهان اسلام، ایران است، به‌خصوص برای شریک اسلامی و این موضوع، تعلق خاطر بیشتری را به ایران و عرفان آن سبب می‌شود (فلاح‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۳). برای بهره‌برداری از این ظرفیت بریلویه، که امتیاز بزرگی برای تحقق تقریب میان شیعه و سنی است، راهکارهای عملی زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. کمک به ترویج عالمانه متون تصوف و عرفان که دارای تعالیم اخلاقی و عرفانی مشترک فراوان با شیعه است.

۲. ترویج متون فارسی تصوف و عرفان که به صورت سنتی حوزه‌های بریلوی به آن علاقه داشته‌اند و فصل مشترک بین مردم عمدتاً شیعه ایران و مردم عمدتاً سنی شبه‌قاره است.

۳. تحقیق، احیا و انتشار آثار معتبر تصوف بریلوی که برخی به صورت متون و نسخ خطی در کتاب‌خانه‌های پاکستان و هند ناشناخته باقی مانده و بهترین آثار در مواجهه با جریان تکفیر و وهابیت است.

۴. ترویج آثار عرفانی و ادبی امام خمینی و شناساندن ابعاد عرفانی (صوفیانه) ایشان و تأکید بر ارتباط اجداد ایشان با مریدان میرسیدعلی همدانی (شاه‌همدان) و بانی گسترش اسلام صوفیانه و اهل بیتی در شمال شبه‌قاره.

۵. انتقال دانش عرفان اسلامی (اعم از نظری و عملی) از طریق پذیرش طلاب و دانشجویان شیعه و سنی با ترجیح بریلویه در زمینه تخصصی عرفان در مراکز حوزوی و دانشگاهی ایران و نیز تأسیس شعبه‌هایی از این مراکز در پاکستان.

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۴۷

۶. ترویج آموزش زبان فارسی به منظور بهره‌مندی طلاب از متون معتبر عرفان اسلامی با این توضیح که زبان فارسی زبان اول عرفانی و دینی در شبه‌قاره بوده و احیای آن نقش مؤثری در وحدت قلوب و تقریب شیعه و بریلویه دارد.

۷. اعتباربخشی به شخصیت‌های عالم به تصوف و عرفان در پاکستان به منظور ایجاد نقش مرجعیت علمی برای آنها که با توجه به غلبه رسانه‌ای و تفوق مالی و سیاسی دیوبندیه در پاکستان کمتر شناخته شده‌اند یا ظرفیت علمی‌شان به کار گرفته نشده است.

۸. برقراری ارتباط بین علمای پاکستانی و مراکز تصوف آنجا با عالمان و مراکز تخصصی عرفان و آشنا به مسائل بریلوی‌ها در ایران به منظور شناخت بهتر طرفینی و رفع سوءبرداشت و سوءتفاهم‌ها که بزرگ‌ترین مانع تحقق تقریب است (نک: بهزاد و دیگران، ۱۳۹۶ ب: ۵۲؛ بهزاد و دیگران، ۱۳۹۶ ج: ۳۳۵؛ سعید، ۱۳۹۶؛ قریشی، ۱۳۹۶؛ بت، ۱۳۹۶).

۵. ۳. راهبرد بهره‌گیری از ظرفیت رویکرد ضد تکفیری و وهابیت‌ستیز بریلوی‌ها

از همان ابتدا مکاتب اهل سنت این منطقه از دیوبندیه گرفته تا بریلویه و حتی اهل حدیث (چغتایی مجذوبی، ۲۰۱۳: ۸-۱۷)، همگی گرایش ضد تکفیری و ضد وهابی داشتند و اگر کسی آنها را وهابی خطاب می‌کرد، برنمی‌تاییدند. تمامی این گروه‌های مذهبی گرایش‌های طریقتی داشتند و همین تعلق‌های عارفانه و باطنی و به تبع آن، ارادت به اهل بیت (ع)، بزرگ‌ترین مانع در برابر تکفیر و وهابیت بوده است. البته مدت‌ها است که با تزریق دلارهای نفتی برخی از کشورهای عرب منطقه، سعی شده است وهابی‌گری و تکفیر تبلیغ و دامن زده شود. صف واحد شیعه و سنی در مقابل دشمن مشترک (داعش و تکفیر) لازمه امروز و آینده منطقه است (فرمانیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۴۲). بر اساس همین رویکرد برخی راهکارهای عملیاتی تقریب در زیر اشاره می‌شود:

۱. بومی‌سازی فعالیت‌های تکفیری‌ستیز با استفاده از ظرفیت تشکل‌های موجود،

به‌ویژه جوانان و دانشجویان، مانند «انجمن جوانان صوفی».

۲. ضریب‌دهی به اندیشه‌های تکفیری‌ستیز علمای بریلوی و ایجاد نقش مرجعیت برای آنان در جهان اسلام، مثل طاهر القادری در پاکستان و محمد اشرف کیچهوچهری در هند.

۳. کمک به تبیین خطر تکفیر برای علما، اماکن مذهبی و آیین‌های بریلوی در پاکستان که به نظر می‌رسد گاه از خطر این جریان‌ها بی‌خبرند یا از موقعیت خطیر امروز و ضرورت تقریب بین مذاهب و لزوم مرزبندی با گروه‌های تندروی سلفی غافل‌اند.

۴. تبیین جنایت‌ها و وحشی‌گری‌های جریان تکفیر در منطقه و جهان اسلام به منظور تهییج افکار عمومی و توجیه آنان راجع به لزوم بسیج جهان اسلام علیه برادرکشی و جسارت و جنایت ضد اهل قبله.

۵. کمک به انتشار، ترجمه و ترویج آثار علمی دانشمندان بریلوی در مخالفت با وهابیت و تکفیر در ایران و شبه‌قاره به منظور پُرکردن دست آنان در دفاع علمی و مستدل از اعتقادات و سنت‌هایشان، که این می‌تواند شامل آثار اولیه بریلوی از جمله آثار فراوان احمد رضاخان تا آثار متأخر نظیر جزوات و کتب طاهر القادری باشد.

۶. به‌کارگیری ظرفیت رسانه‌ای بریلوی در اجرای این راهبرد، چراکه امروز حرف اول را در جنگ نرم اعتقادی، رسانه می‌زند و بریلویه با داشتن شبکه بزرگی از مدارس،^۲ نظیر منهای القرآن و تنظیم المدارس، و نیز شبکه‌های تلویزیونی مانند شبکه تلویزیونی ARY و Q-TV و مدنی چنل و ده‌ها مجله و ماه‌نامه و شبکه عظیم مساجد متعلق به بریلویه، جمعیت انبوهی را تحت پوشش رسانه‌ای خویش قرار دهد.

۷. کمک به ایجاد خط تقابل اجتماعی در برابر جریان تکفیر با استفاده از ظرفیت یادشده در پاکستان.

۸. پیوند ظرفیت بریلوی‌ها به کانون‌های درگیر با جریان تکفیر به منظور ایجاد جبهه فرامذهبی مقاومت ضد تکفیر (منشی، ۱۳۹۶؛ طاهر القادری، ۱۳۹۲؛ فیاض، ۱۳۹۷؛ سلطان احمد علی، ۱۳۹۶؛ رضا، ۱۳۹۶؛ تجریشی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۱۹).

۵. ۴. راهبرد بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی علمی حوزوی و دینی

دیپلماسی علمی میان کشورها رایج است و ایران نیز به سبب اثرگذاری علمی و فرهنگی در قرون گذشته بر شرق، از طرف اندیشمندان معاصر شبه‌قاره، نظیر گاندی و اقبال، فرانسه شرق یا پاریس شرق نامیده شده است (ابوالحسنی، ۱۳۷۷: ۱۴ و ۱۵). مهاجرت‌های فراوان صوفیان و سادات و شیعیان نیز در گذشته موجب تبادلات سنگین فرهنگی بوده است (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۷؛ هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۴۴). اکنون نیز با توجه به این وجهت تاریخی و فرهنگی نزد مردم شبه‌قاره، می‌توان با تغییر اولویت سیاست خارجی خود از غرب به شرق، به این تبادل فرهنگی و سیاسی پرداخت. لازمه این تبادل ابتدا شناخت مراکز علمی و استادان آن و سپس استفاده از ظرفیت‌ها برای نزدیک‌تر شدن و فهم مشترک از مسائل پیرامونی است. راهکارهای پیشنهادی در این زمینه عبارت است از:

۱. مبادله استاد و طلبه بین مدارس دینی ایران و پاکستان، اعم از مدارس شیعه و سنی که موجب شناخت بیشتر و کمک به فهم متقابل می‌شود.
۲. سامان‌دهی امور طلاب ایرانی اهل سنت شاغل به تحصیل در مدارس دینی پاکستان به منظور جلوگیری از جذب آنان در مدارس با گرایش‌های تکفیری و ضد وحدت.
۳. کمک به تشکیل و تقویت مدارس مدیریت‌شده دینی با گرایش بریلوی در ایران به منظور ایجاد مرجعیت علمی برای آنان و کاهش تأثیرپذیری از الأزهر و دیوبند که خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران است.
۴. کمک به تقویت رویکردهای عقلی و فلسفی در مدارس دینی بریلوی به منظور کاهش سطحی‌نگری و خرافه‌گرایی که بهانه‌هایی را به دست جریان‌های تندرو برای تکفیر و جنایت می‌دهد.

۵. بهره‌گیری از علما و طلاب فاضل ایرانی با رویکرد تقریبی و متأثر از دیدگاه‌های عرفانی برای برقراری ارتباط غیررسمی مستمر، که این موضوع، به خودی خود، به انتقال دانش عرفان اصیل و قابل دفاع اسلامی و اهل بیتی کمک می‌کند.
۶. تربیت تخصصی طلاب شیعی پاکستانی برای پیوندهای بومی و مؤثر با علما و مدارس دینی بریلوی که می‌تواند از طریق مراکز تخصصی حوزوی نظیر دارالاعلام یا دانشگاه ادیان و مذاهب و سایر مراکز علمی صورت پذیرد.
۷. مشارکت در فعالیت‌های علمی و فرهنگی مدارس دینی بریلوی، اعم از مشارکت مالی، فکری و کمک به بازبینی محتوای متون آموزشی بریلوی‌ها، و از طرف دیگر کسب تجربه و اطلاعات لازم در زمینه چگونگی جذب حداکثری افراد به دین و مراکز مذهبی که در این خصوص، مؤسسه منهاج القرآن طاهر القادری با شعبات فراوان و فعالیت‌های علمی و فرهنگی بین‌المللی اثرگذار، نمونه مطالعاتی مناسبی است.
۸. تفکیک تصدی امور علما و مراکز دینی بریلوی از سایر مسلک‌ها، به‌ویژه دیوبند و اهل حدیث؛ ترجیحاً مجمع جهانی اهل بیت (ع) پس از توجیه و آموزش و آمادگی کافی پیشنهاد می‌شود. مراکزی که با نگاه پُررنگ فقهی و کلامی به این عرصه ورود می‌کنند فاقد موفقیت چشمگیرند. غلبه نگاه عرفانی و از پنجره محبت اهل بیت (ع) بهترین نتایج را به همراه خواهد داشت.
۹. اعتباربخشی به علمای برجسته بریلوی برای ارتباط با اهل سنت ایران، به‌خصوص در شرق کشور که تفکرات دیوبندی غلبه بیشتری دارد به منظور تعدیل تفکرات تند سلفی و ضد تقریب.
۱۰. کمک مدیریت‌شده به ایجاد نمایندگی مراکز علمی بریلوی در مناطق سنی‌نشین ایران که اتفاقاً اشتراکات بیشتری با اهل سنت اصیل این منطقه دارند.
۱۱. کمک به انتقال پیشرفت‌ها و تجربه‌های علمی ایران در زمینه علوم و معارف اسلامی، به‌ویژه درباره دانش‌های میان‌رشته‌ای.

ظرفیت‌های عملی تقرب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۵۱

۱۲. معرفی و تکریم شخصیت‌ها و آثار برجسته علمی دینی بریلوی در مجامع علمی ایران با مشارکت مراکز علمی بریلوی که در این زمینه دانشگاه ادیان و مذاهب قم می‌تواند نقش برجسته‌ای ایفا کند.

۱۳. اطلاع‌رسانی از وضعیت اهل سنت در ایران به منظور کاهش بدبینی‌ها به جمهوری اسلامی ایران در بین علما و طلاب اهل سنت پاکستانی، چراکه با غلبه و تفوق رسانه‌ای و سیاسی دیوبندها و صرف هزینه سعودی، ایران و حکومت شیعی آن به عنوان پایمال‌کننده حقوق اهل سنت تبلیغ می‌شود.

۱۴. برجسته‌سازی علمای مسئول در حوادث اجتماعی با رویکردهای استکبارستیز و انقلابی که در بین بریلوی‌ها و حتی غیر آنان کم نیستند کسانی که روحیه ضد آمریکایی و اسرائیلی دارند و از جاهت و شأن اجتماعی بالایی نیز برخوردارند و این با توجه به روحیه ضد استکباری و انقلابی عموم شیعیان می‌تواند محور وحدت و عامل تقرب و تألیف قلوب شود.

۱۵. کمک به انسجام و شکل گروه‌های پراکنده علمای بریلوی که باعث قدرت تصمیم‌گیری واحد و هم‌افزایی دینی و سیاسی می‌شود و از موازی‌کاری ساینده جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب ارتباط‌گیری مراکز علمی و دینی شیعه نیز با آنها دقیق‌تر و منسجم‌تر خواهد بود (قلندر، ۱۳۹۶؛ اکبر، ۱۳۹۶؛ سلطان الطاف علی، ۱۳۹۷؛ سلطان احمد علی، ۱۳۹۶).

نتیجه

شکی نیست که تصوف، در بستر اهل سنت رشد یافته (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۹۹) و با گذشت قرون و اعصار، به سمت تشیع تمایل یافته است. اگر برخی از اعتقادات و اعمالشان را، که به طور معمول به جهله صوفیه نسبت داده می‌شود و این انحراف از معیار، در همه مکاتب کم و بیش مشهود است، به کناری بنهیم، وجود قرابت‌های فراوان اعتقادی و رفتاری تصوف با تشیع، فرصت بی‌نظیری برای نزدیک‌شدن و مفاهمه فکری و عملی

فراهم می‌آورد. امروزه در شبه‌قاره که اسلام عارفانه و صوفی‌منشانه‌شان، سرمنشأ ایرانی دارد، زیر نام «بریلویه» جمعیت انبوهی از اهل سنت صوفی گرد آمده‌اند که شاید به زعم خود برای شیعه‌شدن توجیهی نیابند اما خود را از آنان جدا نمی‌بینند و در برابر وهابیت و تکفیر، خود را کنار سایر مسلمانان تصور می‌کنند. معتقدات مشترک با شیعه از قبیل نذر و زیارت، توسل، شفاعت، عزاداری و حب اهل بیت (ع) و بنای بر قبور دارند.

مناسک و آیین‌های مشترک بریلویه با شیعه مانند جشن میلاد النبی، آیین‌های محرم، زیارت مزار اهل بیت (ع) و اولیای کرام، همچنین تقدم تاریخی دشمنی بریلوی‌ها با وهابیت و جریان‌های تکفیری و استمرار آن تاکنون بر کسی پوشیده نیست. گرایش به تصوف و عرفانی که در فرهنگ اسلامی ایرانی ریشه دارد به همراه وجود علاقه‌مندی به ارتباط با حوزه‌های علمیه جمهوری اسلامی ایران و نیز وجود شکل حوزوی بریلوی (وفاق المدارس اهل سنت) که ارتباط مؤثر را میسر می‌کند از جمله ترجیحات بریلویه در جهت تقریب است.

برخورداری از اکثریت جمعیتی و شبکه‌های اجتماعی حوزوی و سنتی جمعه و جماعات در پاکستان، برخورداری از رسانه‌های دیداری و مجازی با پوشش برنامه‌های دینی و حوزوی، گرایش به دانش جدید و میان‌رشته‌ای در حوزه‌های دینی، تکثر و تنوع زیارتگاه‌ها در سراسر پاکستان و ایمان قلبی مردم به آنها و زیارت و توسل به آنان و نذر و نیاز، فقدان وابستگی مالی زیارتگاه‌ها به بودجه‌های دولتی، پرهیز از افراط‌گرایی و حاکمیت روح اخلاق در مدارس دینی و پرهیز عمومی از تکفیر، برخورداری زیارتگاه‌ها و متولیان‌شان، به‌ویژه سجاده‌نشینان، از اقتدار اجتماعی گسترده، وجود امکان اصلاح برخی از اعمال بدعت‌گونه و انحرافی برخی از صوفیه از طریق تربیت و آموزش تصوف اصیل و عرفان اسلامی، جایگاه مناسب و تأثیرگذار تعدادی از علما و مدارس بریلوی در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، پراکندگی و حضور گسترده

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۵۳

بریلوی مسلک‌ها در همه بخش‌های رسمی و نظامی با امکان تأثیرگذاری مناسب، بیداری اجتماعی و سیاسی بخش تأثیرگذاری از جامعه بریلوی و مطرح کردن شعارهای درست و کارآمد و ایجاد نوعی توازن نسبی در معادلات سیاسی و اجتماعی، تمرین عملی نسبتاً موفق عملیات مشترک سیاسی و اجتماعی به همت بخشی از جامعه شیعه و بریلوی در سال‌های اخیر، مانند حزب «اتحاد امت مصطفی»، تعلق خاطر علمای بریلوی به برخی متون مهم اخلاقی، عرفانی و غزلیات فارسی از قبیل مثنوی معنوی، بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ و بیدل و غالب دهلوی و سروده‌های اقبال و مانند آنها و بالأخره علاقه‌مندی عمومی بریلوی‌ها به زیارت امام رضا (ع) و عتبات عراق و عارفان ایرانی مدفون در آنجا مثل عبدالقادر گیلانی یا در ایران مثل بایزید بسطامی، ابوسعید ابوالخیر، عطار و ... همه و همه از امتیازات و ظرفیت‌های تقریبی بریلویه است. دقت در ظرفیت‌های علمی و شناسایی ظرفیت‌های عملی تقریب بین تشیع و بریلویه، ضامن رسیدن به اهداف عالی تقریب میان مذاهب و وحدت امت اسلامی است.

همچنین، نزدیکی هر چه بیشتر ایران، به عنوان کانون اصلی تشیع انقلابی، و پاکستان، به عنوان کانون پُرجمعیت تسنن اعتقادی، می‌تواند صلح و آرامش را در سرزمین‌های مسلمانان پایدارتر کند و در سایه این امنیت و با تکیه بر منابع اصیل دینی، ظرفیت‌های تسنن و تشیع و امکانات بالقوه و بالفعل دنیای اسلام، به سوی تمدن‌سازی اسلامی با همه لوازمش پیش رود. راهبردهای چهارگانه مطرح‌شده در این مقاله (بهره‌گیری از ظرفیت عشق و محبت بریلوی‌ها به اهل بیت (ع)، بهره‌گیری از ظرفیت گرایش‌های صوفیانه بریلوی‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت رویکرد ضدتکفیری و وهابیت‌ستیز بریلوی‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی علمی حوزوی و دینی) به همراه بیش از ۴۰ راهکار تحقق آنها که برای پاکستان طراحی شده، قابل تعمیم به شبه‌قاره هند و سایر مناطق مسلمان‌نشین، با گرایش‌های صوفیانه، اعم از همسایه و غیر آن، است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این مقاله از مصاحبه شخصی با اشخاص ذیل هم بهره برده‌ایم: محمد طاهر القادری (مؤسس مرکز منہاج القرآن)؛ احمد سعید (نویسنده و پژوهشگر حوزه تصوف در پاکستان)؛ سلطان احمد علی (تولیت دربار سلطان باهو، پژوهشگر و رئیس مؤسسه سلطان‌العارفین)؛ سهیل احمد رضا (پژوهشگر و عضو کمیته گفت‌وگوی ادیان و مذاهب پاکستان)؛ ثاقب اکبر (رئیس مؤسسه البصیرة، نویسنده و پژوهشگر فرق و مذاهب اسلامی)؛ علی‌اصغر چشتی (استاد دانشگاه و رئیس گروه مطالعات اسلامی دانشگاه علامه اقبال)؛ سلطان الطاف علی (استاد دانشگاه، پژوهشگر و سجادہ‌نشین)؛ ذوالفقار علی قریشی (رئیس مؤسسه مطالعاتی تمدن آسیا (راولپندی))؛ محمد اعجاز بت (رئیس کالج شیپ لاهور و عضو شورای روابط خارجی معاصر پاکستان)؛ پروین منشی (رئیس دانشگاه تصوف و علوم جدید بہت‌شاہ حیدرآباد پاکستان)؛ عباس فیاض (تحلیلگر ارشد مسائل پاکستان و مسئول سایت مرکز مطالعات ایران شرقی)؛ جمیل قلندر (استاد فلسفہ و عقیدہ اسلامی، دانشگاه بین‌المللی پاکستان).
۲. بیش از شش ہزار.

ظرفیت‌های عملی تقریب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۵۵

منابع

قرآن کریم.

ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۷۷). *مهاتما گاندی: هم‌دلی با اسلام، همراهی با مسلمین*، قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اکبر، ثاقب (۱۳۹۶/۱۱/۱۰). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: محمد بهزاد*، مشهد.

اکبر، ثاقب (۲۰۱۲). *پاکستان کی دینی مسالک، اسلام‌آباد: البصیرة*.

امینی نژاد، علی (۱۳۸۶). *حکمت عرفانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*.

بت، محمد اعجاز (۱۳۹۶/۱۰/۲۴). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: محمد بهزاد*، مشهد.

بریلوی، احمد رضاخان (بی‌تا). *اهلاک الوهابین علی توهین قبور المسلمین*، لاهور: *اعلی حضرت نیت ورک*.

بقایی یمین، محمد (۱۳۹۴). «بررسی و نقد حدیث فرقه ناجیه»، در: *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، ش ۴۰، ص ۵۷-۶۶.

بکری، سید محمد معصوم (۱۳۸۲). *تاریخ سند المعروف به تاریخ معصومی، تصحیح: عمر بن محمد داوود پوته*، تهران: اساطیر.

بهزاد، محمد؛ و دیگران (۱۳۹۶ الف). *چکیده مقالات همایش بین‌المللی نقش عرفان در برقراری صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز*، لاهور: گروه زبان و ادبیات پارسی، دانشگاه آل سی بانوان لاهور.

بهزاد، محمد؛ و دیگران (۱۳۹۶ ب). *چکیده مقالات برگزیده گفت‌وگوهای فرهنگی آسیایی (ایران و شبه‌قاره)*، مشهد: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

بهزاد، محمد؛ و دیگران (۱۳۹۶ ج). *مجموعه مقالات برگزیده گنگره جهانی محبان اهل بیت (ع) و مسئله تکفیر*، تهران: مقاومت.

تجربشی، محمد مهدی؛ و دیگران (۱۳۹۴). *اطلس رهبران*، قم: معارف.

جعفری، محمد عیسی (۱۳۹۲). *بررسی سندی و محتوایی روایات ناظر بر نقد صوفیه با تأکید بر منابع شیعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تصوف و عرفان اسلامی، استاد راهنما: سید یدالله یزدان‌پناه، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

چشتی، علی اصغر (۱۳۹۶/۱۲/۱۰). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: تقی صادقی*، لاهور.

چغتایی مجذوبی، محمد طارق محمود (۲۰۱۳). *علمانی اهل حدیث کاذوق تصوف*، لاهور: مرکز روحانیت و امن.

- خسروی، عباس (۱۳۹۴). اشتراکات و افتراقات بریلویه با شیعه در اعتقادات، رساله سطح سه حوزه علمیه، استاد راهنما: مهدی فرمانیان، قم.
- خمینی، سید حسن (۱۳۸۹). *دائرةالمعارف فرق اسلامی*، تهران: اطلاعات.
- راجپوت، الله‌بخش (۱۳۴۳). «سرور عارفان خواجه معین‌الدین چشتی»، در: *ملا*، ش ۴۷، ص ۱۹-۲۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۴). *مفردات الفاظ القرآن*، قم: ذوی‌القربی.
- رضا، سهیل احمد (۱۳۹۶/۱۲/۲۰). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: تقی صادقی*، اسلام‌آباد.
- رضوی، سید عباس اطهر (۱۳۷۶). *تشیع در هند، ترجمه: واحد ترجمه مرکز تحقیقات اسلامی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سعید، احمد (۱۳۹۶/۱۲/۱۰). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: تقی صادقی*، لاهور.
- سلطان احمد علی (۱۳۹۶/۱۲/۱۵). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: تقی صادقی*، مولتان.
- سلطان الطاف علی (۱۳۹۷/۳/۱۵). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: تقی صادقی*، لاهور.
- الشیبی، مصطفی کامل (۱۳۹۶). *تشیع و تصوف*، تهران: نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۸۳). *فوائد*، تهران: آفرینش.
- طاهر القادری، محمد (۱۳۹۲/۳/۱۵). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: تقی صادقی*، لاهور.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۰۵). *السيف الجلی علی منکر ولایت علی (ع)*، ترجمه: ممتاز الحسن باروی و شبیر احمد جامی، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۰۷ الف). *شهادت امام حسین (ع): فلسفه و تعلیمات*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۰۷ ب). *شهادت امام حسین (ع): حقایق و واقعات*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۰۷ ج). *حب علی کرم الله وجهه الکریم*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۰۷ د). *ذبح عظیم*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۰۹ الف). *اعلان غدیر*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۰۹ ب). *کتاب الشفاعة*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۰). *القول المعتبر فی الامام المنتظر*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ الف). *مسئله استغاثه*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ ب). *زیارت قبور*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ ج). *جلاء الصدور فی زیارة القبور*، لاهور: منهاج القرآن.

ظرفیت‌های عملی تقرب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۵۷

- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ ح). *کنز المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ د). *الشرف العلی فی التبرک بالنبی (ص)*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ ز). *غایة الاجابة فی مناقب القرابة*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ و). *حسن المآب فی ذکر ابی تراب کرم الله وجهه الکریم*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۱ ه). *مولد النبی عند الائمة والمحدثین*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۲ الف). *کتاب التوحید*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۲ ب). *کتاب التوسل*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۲ ج). *الشرف العلی فی التبرک بالنبی*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۲ د). *میلاذ النبی (ص)*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۲ ز). *المنهل الصفی فی زیارة قبر النبی*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۲ و). *اللدرة البيضاء فی مناقب فاطمة الزهراء*، لاهور: منهاج القرآن.
- طاهر القادری، محمد (۲۰۱۲ ه). *مرج البحرین فی مناقب الحسنین*، لاهور: منهاج القرآن.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۰). *رسالت تشیع در دنیای امروز*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۵). *شیعیان پاکستان*، قم: شیعه‌شناسی.
- عباسی، حسین (۱۳۹۵). *بررسی اتصال سلاسل صوفیه با ائمه اطهار*، رساله کارشناسی ارشد، استاد راهنما: منوچهر صدوقی سها، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- فرمانیان، مهدی؛ و دیگران (۱۳۹۶). *جریان‌شناسی فکری ایران*، قم: زمزم هدایت.
- فلاح‌زاده، محمد هادی (۱۳۸۵). *آشنایی با کشورهای اسلامی (پاکستان)*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- فیاض، عباس (۱۳۹۷/۱/۲۲). *مصاحبه*، مصاحبه‌کننده: محمد بهزاد، مشهد.
- قریشی، ذوالفقار علی (۱۳۹۶/۱۰/۲۳). *مصاحبه*، مصاحبه‌کننده: محمد بهزاد، مشهد.
- قلندر، جمیل (۱۳۹۶). *مصاحبه*، مصاحبه‌کننده: تقی صادقی، لاهور.
- الکوفی، علی بن حامد بن ابی بکر (۱۳۸۴). *فتح‌نامه سند المعروف به چچ‌نامه*، تصحیح: محمد داوود پوته، تهران: اساطیر.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۰). *اهل بیت در قرآن و حدیث*، ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر، قم: دارالحدیث.

۲۵۸ / پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال نهم، شماره هجدهم

- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۲۷). *میزان الحکمة*، قم: دارالحدیث، ویرایش دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *آشنایی با علوم اسلامی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۶۱). *حدیقه الشیعة*، تهران: گلی.
- منشی، پروین (۱۳۹۶/۱۰/۲۳). *مصاحبه، مصاحبه‌کننده: محمد بهزاد*. مشهد.
- موحدیان عطار، علی (۱۳۸۸). *مفهوم عرفان*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). *تشیع در هند، ترجمه: آذرمیدخت مشایخ فریدنی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۸۷). *تاریخ فرشته، تصحیح: محمدرضا نصیری*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

References

The Holy Quran

Abu al-Hasani (Monzer), Ali. 1998. *Mahatma Gandhi: Hamdeli ba Islam, Hamrahi ba Moslemin (Mahatma Gandhi: Empathy with Islam, Companionship with Muslims)*, Qom: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Farsi]

Akbar, Thagheb. 2012. *Pakistan Ki Dini Masalek (What Is the Religion of Pakistan?)*, Islamabad: Al-Basirah.

Amininejad, Ali. 2008. *Hekmat Erfani (Mystical Wisdom)*, Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [in Farsi]

Barilavi, Ahmad Reza Khan. n.d. *Ahlak al-Wahabiyin ala Tohin Ghobur al-Moslemin (Destroying the Wahhabis on the Humiliation of the Graves of Muslims)*, Lahore: Ala Hazrat Nit Work. [in Arabic]

Baghayi Yamin, Mohamm. 2016. "Barresi wa Naghd Hadith Fergheh Najiyeh (Reviewing and Criticizing the Hadith of the Saved Sect)", in: *Studies on Islamic Denominations Approximation*, no. 40, pp. 57-66. [in Farsi]

Bakri, Sayyed Masum. 2003. *Tarikh Sanad al-Maruf be Tarikh Masumi (History of Sanad Known as Masumi History)*, Edited by Omar ibn Mohammad Dawud Puteh, Tehran: Asatir.

Behzadi, Mohammad; et al. 2017 a. *Chekideh Maghalat Hamayesh Beyn al-Melali Naghsh Erfan dar Bargharari Solh wa Hamzisti Mosalemat Amiz (Abstract of Articles of the International Conference on the Role of Mysticism in Establishing Peace and Peaceful Coexistence)*, Lahore: Department of Persian Language and Literature, Lahore College for Women University.

Behzadi, Mohammad; et al. 2017 b. *Chekideh Mahalat Bargozideh Goftogu-hay Farhangi Asiyayi; Iran wa Shebh Gharreh (Abstract of Selected Articles of Asian Cultural Dialogues; Iran and the Subcontinent)*, Mashhad: Organization of Islamic Culture and Communication, Mashhad Ferdowsi University. [in Farsi]

Behzadi, Mohammad; et al. 2017 c. *Majmueh Maghalat Bargozideh Kongereh Jahani Mohebban Ahl Beyt wa Masaleh Takfir (A Collection of Selected Articles of the World Congress of Lovers of Ahl al-Bayt (AS) and the Issue of Excommunication)*, Tehran: Resistance. [in Farsi]

Tajrishi, Mohammad Mahdi; et al. 2015. *Atlas Rahbaran (Collection of Leaders)*, Qom: Knowledge.

- Jafari, Mohammad Isa. 2013. Barresi Sanadi wa Mohtawayi Rewayat Nazer bar Naghd Sufiyeh ba Takid bar Manabe Shii (Chain Transmission and Content Analysis of the Narratives Regarding Sufi Criticism with an Emphasis on Shia Sources), Master's Thesis in Sufism and Islamic Mysticism, Supervisor: Seyyed Yadollah Yazdan Panah, Qom: University of Religions and Denominations. [in Farsi]
- Chaghtayi Majzuyi, Mohammad Taregh Mahmud. 2013. *Olamayi Ahl Hadith Kazugh Tasawwof (Scholars of Hadith and Sufism)*, Lahore: Spiritual and Safe Center.
- Khosrawi, Abbas. 2016. *Eshterakat wa Efteraghat Bariluyeh ba Shiah dar Eteghadat (Commonalities and Differences between Brillouin and Shia in Beliefs)*, Level Three Seminary Thesis. Supervisor: Mahdi Farmaniyan, Qom.
- Khomeyni, Seyyed Hasan. 2011. *Daerah al-Maaref Feragh Islami (Encyclopedia of Islamic Sects)*, Tehran: Information.
- Rajput, Allah Bakhsh. 1965. "Sarwar Arefan Khajeh Moin al-Din Chashti (The Great Mystic, Khajeh Moin al-Din Cheshti)", in: *Helal*, no. 47, pp. 19-25. [in Farsi]
- Ragheb Isfahani, Hosayn ibn Mohammad. 2006. *Mofradat Alfaz al-Quran (Dictionary of Quranic Terms)*, Qom: Zawi al-Ghorba. [in Arabic]
- Razawi, Seyyed Abbas Athar. 1998. *Tashayyo Dar Hend (Shiism in India)*, Translated by Islamic Research Center Translation Unit, Qom: Office of Islamic Propaganda of Qom Seminary. [in Farsi]
- Al-Shaybi, Mostafa Kamel. 2017. *Tashayyo wa Tasawwof (Shiism and Sufism)*, Tehran: International Publication of Islamic Propaganda Organization.
- Sadughi Saha, Manuchehr. 2004. *Fawaed (Benefits)*, Tehran: Creation.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2005. *Al-Sayf al-Jali ala Monkar Welayat Ali (The Clear Sword against the Deniers of Ali's Rule)*, Translated by Momtaz al-Hasan Baruy & Shobayr Ahmad Jami, Lahore: Approach of the Quran. [in Farsi]
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2007 a. *Shahadat Imam Hoseyn (AS): Falsafeh wa Talimat (Martyrdom of Imam Hossein (AS): Philosophy and Teachings)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2007 b. *Shahadat Imam Hoseyn (AS): Haghayegh wa Wagheat (Martyrdom of Imam Hossein (AS): Facts and Events)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2007 c. *Hob Ali Karramallah Wajhah al-Karim (Ali's Love, May God Bless Him)*, Lahore: Approach of the Quran.

- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2007 d. *Zebh Azim (Great Slaughter)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2009 a. *Elan Ghadir*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2009 b. *Ketab al-Shafaah (The Book of Intercession)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2010. *Al-Ghawl al-Motabar fi al-Imam al-Montazar (Authentic Saying on the Awaited Imam)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 a. *Masaleh Esteghaseh (Asking Help from God)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 b. *Ziyarat Ghobur (Visiting Graves)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 c. *Jala al-Sodur fi Ziyarat al-Ghobur (Clearing Hearts in Visiting Graves)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 d. *Kanz al-Mataleb fi Managheb Ali ibn Abi Taleb (Treasure of the Virtues of Ali ibn Abi Talib)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 e. *Al-Sharaf al-Ali fi al-Tabarrook be al-Nabi (The Highest Honor in Being Blessed by the Prophet)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 f. *Ghayah al-Ejabah fi Managheb al-Gharabah (Goal of Answer in the Virtues of Kinship)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 g. *Hosn al-Maab fi Zekr Abi Torab Karramallah Wajhah al-Karim (Good Luck in the Remembrance of Abu Torab, May God Honor His Honorable Countenance)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2011 h. *Mawled al-Nabi end al-Aemmah wa al-Mohaddethin (The Birth of the Prophet in the View of the Imams and Hadith Scholars)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2012 a. *Ketab al-Tawhid (The Book of Monotheism)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2012 b. *Ketab al-Tawassol (The Book of Supplication)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2012 c. *Al-Sharaf al-Ali fi al-Tabarrook be al-Nabi (The Highest Honor in Being Blessed by the Prophet)*, Lahore: Approach of the Quran.

- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2012 d. *Milad al-Nabi (Birth of the Prophet)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2012 e. *Al-Manhal al-Safi fi Ziyarah Ghabr al-Nabi (Al-Manhal al-Safi in Visiting the Prophet's Grave)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2012 f. *Al-Dorrah al-Bayza fi Managheb Fatema al-Zahra (The White Pearl in the Virtues of Fatima al-Zahra)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2012 g. *Maraj al-Bahrayn fi Managheb al-Hasanayn (The Mixing of Two Seas in the Virtues of Imam Hasan and Imam Hoseyn)*, Lahore: Approach of the Quran.
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1991. *Resalat Tashayyo dar Donyay Emruz (The Mission of Shiism in Today's World)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]
- Arefi, Mohammad Akram. 2006. *Shiayan Pakestan (Pakistani Shia)*, Qom: Shiite Studies. [in Farsi]
- Abbasi, Hoseyn. 2016. Barresi Ettesal Salasel Sufiyeh ba Aemmeh Athar (Investigating the Connection between the Sufi Chains and the Infallible Imams), Master's Thesis, Supervisor: Manuchehr Sadughi Saha, Qom: University of Religions and Denominations.
- Farmaniyan, Mahdi; et al. 2017. *Jaryanshenasi Fekri Iran (The Study of Intellectual Currents in Iran)*, Qom: The Fountain of Guidance.
- Falahzadeh, Mohammad Hadi. 2006. *Ashnayi ba Keshwar-hay Islami, Pakistan (Familiarity with Islamic Countries, Pakistan)*, Tehran: Institute of Contemporary Philanthropists.
- Ghalandar, Jamil. 2018. Interview, Interviewer: Taghi Sadeghi, Lahore.
- Al-Kufi, Ali ibn Hamed ibn Abi Bakr. 2006. *Fathnameh Sanad al-Maruf be Chachnameh*, Edited by Mohammad Dawud Puteh, Tehran: Asatir.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad. 1992. *Ahl Beyt dar Quran wa Hadith (Prophet's Household in the Quran and Hadith)*, Translated by Hamid Reza Sheikhi & Hamid Reza Azhir, Qom: House of Hadith.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad. 2006. *Mizan al-Hekmah (Yardstick of Wisdom)*, Qom: House of Hadith, Second Edition.

ظرفیت‌های عملی تقرب بین شیعیان و صوفیه اهل سنت پاکستان، به‌ویژه بریلویه / ۲۶۳

Motahhari, Morteza. 1983. *Ashnayi ba Olum Islami (Introduction to Islamic Sciences)*, Qom: Islamic Publications. [in Farsi]

Moghaddas Ardebili, Ahmad ibn Mohammad. 1982. *Hadigah al-Shiah (Shiite Garden)*, Tehran: Goli.

Mowahediyen Attar, Ali. 2010. *Mafhum Erfan (The Concept of Mysticism)*, Qom: University of Religions and Denominations.

Hollister, John Norman. 1995. *Tashayyo dar Hend (The Shia of India)*, Translated by Azarmidokht Mashayekh Fereydani, Tehran: University Publication Center.

Hendoshah Estarabadi, Mohammad Ghasem. 2009. *Tarikh Fereshteh (The History of the Angel)*, Edited by Mohammad Reza Nasiri, Tehran: Association of Cultural Works and Dignitaries.

Taher al-Ghaderi, Mohammad. 2013/06/05. Interview, Interviewer: Taghi Sadeghi, Lahore.

Ghorayshi, Zolfaghar Ali. 2018/01/13. Interview, Interviewer: Mohammad Behzad, Mashhad.

Monshi, Parwin. 2018/01/13. Interview, Interviewer: Mohammad Behzad, Mashhad.

Bet, Mohammad Ejaz. 2018/01/14. Interview, Interviewer: Mohammad Behzad, Mashhad.

Akbar, Thagheb. 2018/01/30. Interview, Interviewer: Mohammad Behzad, Mashhad.

Cheshti, Ali Asghar. 2018/03/01. Interview, Interviewer: Taghi Sadeghi, Lahore.

Said, Ahmad. 2018/03/01. Interview, Interviewer: Taghi Sadeghi, Lahore.

Soltan Ahmad Ali. 2018/03/06. Interview, Interviewer: Taghi Sadeghi, Multan.

Reza, Soheyl Ahmad. 2018/03/11. Interview, Interviewer: Taghi Sadeghi, Islamabad.

Fayyaz, Abbas. 2018/04/11. Interview, Interviewer: Mohammad Behzad, Mashhad.

Soltan Altaf Ali. 2018/06/05. Interview, Interviewer: Taghi Sadeghi, Lahore.